

بلال احمد شیخ
پژوهشگر دوره دکتری،
بخش فارسی، دانشگاه کشمیر

نظری احوال و آثار محمد داراشکوه قادری

چکیده:

زبان و ادبیات فارسی دارای تاریخ ارزش در شبه قاره هند بوده است و از محمود غزنوی تا انقراض دولت مغول هزارها دانشمندان و نویسندگان چه از خانواده ایرانی و چه از خانواده هندی این ادبیات را آبیاری کرده اند. یکی از آنها گل سرمد گلستان خانواده گورکانی شهزاده محمد داراشکوه قادری بود. وی نه فقط به تصوف مائل بود بلکه یک مصنف و شاعر زبان فارسی بود. غیر از این وی سرپرست علماء و فضلاء زبان فارسی و سنسکرت بود و نیز بفتون لطیفه خیلی دل بستگی داشت. کتبها که از دست وی تصنیف شد در سراسر جهان شهرت عالی یافت.

واژه کلیدی:

تصوف، صوفیای کرام، مرشد، خلفائے راشدین، ملفوظات، کرامات، احوال، فلسفه هندو، مکالمه.

تعارف: قبل از مغولان هیچ کس بطور کلی در سراسر کشور هند حکومت نه کرد چون حکومت های کوچک باهم می جنگیدند و مبارزه می کردند. ظهیر الدین بابر در ۱۵۲۶ء بنیاد حکومت

خانواده گورکانی در هند نهاد و پس از آن شاهان بزرگ مثل همایون، اکبر اعظم، جهانگیر، شاهجهان، اورنگزیب تا تسط انگلیسی در هند حکومت کردند.

شاهجهان یکی از شاهان گورکانی بود که از سال ۱۶۲۸ تا ۱۶۵۸ م بر هند حکمرانی کرد. وی چهار تا پسر داشت که حکومت ایالت مختلفی در دست داشتند. چون شاه ضعیف شد و نمی توانست که حکمرانی بکنید. پسران وی یعنی دارا شکوه، شجاع، اورنگزیب و مراد هر يك از آنها آرزو داشتند که ولی عهد خود بشود. از آنها دارا شکوه بزرگ و محبوبتر به شاهجهان بود بعلت این وی دارا شکوه را ولیعهد مقرر کرد. این عمل شاه بین پسران اختلاف و خصمگی پیدا کرد و نوبت به این رسید که میان آنها جنگ شروع شد. مثل جنگ بهادرگر (فروری ۱۶۵۸)، جنگ درمت (۱۶۵۸) و جنگ سموگر (مئی ۱۶۵۸). پس در آخر اورنگزیب که بسیار شجاع و بهترین سیاستمدار بود فاتح قرار شد و بر تخت شاهی جلوه افروز شد. دارا شکوه که حریف قوی بود ولی طبع وی متصوف بود نه هم جنگ و جدال را دوست نمی داشت در جنگ حزیمت خورد و بالاخر با زور لشکر وی با ملک جوان خان گریخت او با دارا شکوه خیانت کرد و با طوطی وی بدست اورنگزیب گرفتار شد، و اورنگزیب وی را در دهلی به قتل رسانید. اینطور يك گل سرمد از گلشن گورکانیان سرد شد.

احوال مختصری شهزاده دارا شکوه:

دارا شکوه ملقب به پادشاه بزرگ مرتبه، جلال القادر، سلطان محمد دارا شکوه و شاه بلند اقبال (۲۰ مارچ ۱۶۱۵ تا ۳۰

اگست ۱۶۱۹ عیسوی) پسر بزرگ شاهجهان و ممتاز محل و از آنها ولیعهد مقرر بود. و از پدر و خواهر جهان آرا بیگم جانشین منتخب بود لیکن شهزاده محیی الدین (اورنگزیب عالمگیر) پس از مبارزه تلخ برای تخت شاهنشاهی وی را شکست داد.

محمد دارا شکوه در نیمه شب روز شنبه ۲۹ صفر ۱۰۲۴ هجری قمری برابر با نهم فروردین ماه از دهمین سال جلوس شاه جهان در اجمیر شهری که شیخ معین الدین چشتی در آن مدفون است به دنیا آمد. او خود در سفینته الاولیاء آورده است که چون مادرش پیش از او صاحب سه دختر شده بود و فرزند پسری نداشت و سنش به بیست و چهار سالگی رسیده بود پس به روح "شیخ معین الدین چشتی" تولد می شود و درخواست فرزند پسری می کند و او به برکت روح این شیخ متولد می گردد. در خورد کودکی دارا شکوه اطلاع چندانی در دست نیست. فقط تا این حد می دانیم که پس از سرکوبی شورش شاهجهان بر پدرش جهانگیر، فرزندان وی، دارا شکوه و اورنگزیب در نزد جهانگیر و ملکه نور جهان بیگم، به گرو باقی ماندند.

دارا شکوه شاگرد "ملا عبد الطیف سلطانیپوری" در سیزده سالگی بود و در نذدش علوم چون قرآن، تفسیر، حدیث، متون فارسی و عربی و تاریخ تیموری را فرا می گرفت. او به علوم عرفانی علاقه مند بود و در این زمینه مطالعه می کرد. در خوشنویسی چیره دست و در فنون نظامی هم دارای مهارت بود. او فارسی، عربی، و سانسکرت و دیگر زبانهای محلی هم تسلط داشت. دارا شکوه در سال ۱۰۵۲ هجری قمری به ولیعهد رسید و در زمان حیات

شاهجهان حکومت ایالت‌های الله آباد، پنجاب، گجرات، ملتان و کابل در دست داشت، لیکن پس با شورش اورنگزیب مواجه شد و در فرماندهی جنگ مغلوب وی شد اورنگزیب نیز با گرفتن فتوایی مبنی بر الحادش، او و دو پسرش را به قتل رسانید.

داراشکوه از ابتداء مایل به تصوف بود استاد طریقت وی "میانمیر" و پس از او جانشین "ملا شاه محمد بدخشی" بود. دارا به سلسله قادریه نسبت داشت و در باره احوال و کرامات صوفیاء کرام کتابی بنام "سفینته الاولیاء" نوشت نیز یکدیگر کتابی در باره ملفوظات، معمولات و ارشادات مع حالات خلفاء عظام حضرت میانمیر قادری نوشت. علاوه از این داراشکوه به فلسفه هنود نیز علاقه مند بودم می خواهد که تصوف اسلامی و فلسفه دین هنود با هم دیگر جمع می کند.

داراشکوه برائی ملاقات مرشدش در ۱۶۴۰ء به کشمیر آمد و بلاشبه وی در کشمیر بر تصورات عوام اثر کرد. خیالات و نظریات سلسله قادریه و دلچسپی داراشکوه که در فنون لطیفه داشت هم بر عوام کشمیر اثر کرد. غیر از این ماحول روحانی کشمیر داراشکوه را اینقدر اثری کرد که در تصوف وی نور نو پیدا شد. او را موقع فهمیدن خیالات مذهبی کشمیر فراهم شد و پس از مهمیدن این به شدت محسوس شد که تصوف و وحدانیت در کشمیر بایک دیگر جمع شده است. خیالات و عقائد مذهبی به لطائف در کشمیر موجود هستند. داراشکوه در کشمیر کتب های بسیار دید که خیالی موثر و سودمند بودند وی این همه کتب جمع کرد و یک کتب خانه در سرینگر تشکیل داد. کتبهای سانسکرت و فارسی و

مخطوطه بسیار در اینجا موجود بود. دارا شکوه و همسرش در کشمیر باغها تعمیر کردند، پری محل که جای دیدنی در کشمیر است از دارا شکوه منسوب هست.

آثار ادبی شهزاده محمد دارا شکوه قادری:

سفینته الاولیا: این کتاب در عین شباب در سن ۲۵ یعنی در سال ۱۰۴۹ تصنیف کرد. کتاب در موضوع احوال صوفیائی کرام نوشته شد. دارا شکوه در این کتاب زکر مبارک حضرت رسول مقبول و بعداً زکر مبارک خلفائے راشدین، زکر حضرت حسن و حسین و پس از آن مناقب ائمه تحریر فرمود. نیز احوال اولیا الله که از سلسله قادریه، نقشبندیه چشتیه، کبرویه و سهروردیه ثبت داشتند نوشت. دارا شکوه در یک باب احوال صوفیاء کرام که از سلسله متفرق ثبت داشتند ذکر فرمود. در آواخر این تصنیف دارا شکوه زکر مبارک ازواج مطهرات و نبات طاهرات آنحضرت محمد و زکر آن زنها که در راه سلوک کمال یافتند.

دارا شکوه در برائی این تصنیف خود نوشت، و اگر عبارت این کتاب راست بر است و در عبارت آرائی مقید نشده و فارسی ساده عام فهم نوشته لیکن بعضی جا اقتدار بعبارت نفحات الانس قطب الاولیا قدوت اتقیاء نیز آسمان عرفان خورشید ملک ایقان حضرت مولای نور امانت والدین عبدالرحمن جامی قدس سره افشاری که کمال فصاحت و متانت وارد و ابشار استاد خود می داند کرد و در زبان روز مره خود را نیز ترک ساخته.

سکینته الاولیا: دارا شکوه سکینته الاولیاء را در سن ۲۸ یعنی در ۱۰۵۲ هـ نوشته. این احوال، ملفوظات، کرامات مرشدش ملا شاه

محمد و میان میر (ملا جیو) است - نیز احوال خانواده و خلفاء درج است - دادا با مرشدش عقیدت وافر داشت - ملا جیو وی را در خواب مراقبه کردن و مشاهده کردن آموخت و امانت سینه اش در سینه وی منتقل کرد و بعداً در راه سلوک فتح بر فتح حاصل شد - خوارق و کرامات مرشدش در این کتاب درج است و از آنها عظمت مرشدش ظاهر نمود - دارا شکوه در این تصنیف جابجا حواله از کشف المحجوب، نفحات الانس، غنیه الطالبین و غیره داد و از این ظاهر می شود که این کتب زیر مطالعه دارا شکوه بودند -

حسنت العارفين: دارا شکوه در تمهید این کتاب می نوشت که در حالت وجد و زوق کلمات بلند حقائق از ذهن من خارج می شود که زاهد خشک و پست فطرت پس از شنیدن آن فتاوی کفر بر وی صادر کردند - دارا در آغاز می گفت که برائی آزاد شنیدن این متاوی ها من این کتاب می نوشتم - اقوال صوفیائے کرام، اقوال رسول الله ﷺ و خلفائے راشدین[ؓ] که از فکر دارا شطحیات هستند در این کتاب درج کرد -

مجمع البحرين: دارا شکوه در سن ۴۲ سال این کتاب را که بر موضوع تصوف و فلسفته ویدانت است نوشت - دارا شکوه مذهب اسلام و هندو دو شاخ يك رودخانه می گفت و این دورا با يك دیگر مخلوط کردند و می گفت که بین تصوف اسلامی و فلسفه ویدانت غیر از اختلاف لفظی هیچ فرق نیست، شیدائی توحید هر کس از این دورا تقلید می کند به منزل حقانیت می رسد - تصنیف این کتاب باعث شد که دارا ملحد و مرتد قرار شد -

رساله حق نما: دارا شکوه يك رساله بنام رساله حق نما نوشت که خیلی اهمیت دارد. این رساله برسی (۳۰) صحفها مشتمل است. فکرونظر صوفیانه دارا شکوه از این رساله ظاهر می نمود. این رساله بر شش فصل مشتمل است، ناسوت، دنیائی انسانی، ملکوت، جبروت و دو فصل بر هویات یعنی جواهر الهی است. در سال ۱۰۵۶ ه تمام شد. دارا شکوه می گفت:

این رساله حق نما باشد تمام
در هزار و پنجاه و شش شد تمام
هست از قادر، مدان از قادری
آنچه ما گفتیم نافهم والسلام

مکالمات دارا شکوه و بابا لال: این خلاصه مکالمات دارا شکوه و بابا لال است. دارا شکوه در مورد مذهب هندو سوال می کرده است و بابا لال آن سوالها پاسخ داد. بابا لال در پنجاب می زیست که اسم اصلی وی لال دیال بود و از دوستان حضرت میان میر بود و بعلت این دارا شکوه ملاقات وی خواهد بود. ملاقات در لاهور شد و دارا شکوه ز سوالات علم در باره مذهب هندو از بابا لال حاصل کرد و این ملاقات دارا را خیلی اثر کرد. یاداشت این ملاقات و مکالمه چندر بهان برهمن که میر منشی دارا شکوه بود تیار کرد.

سر اکبر: محمد دارا شکوه سر اکبر یعنی ترجمه فارسی پنج و دو پنشید ۱۶۵۷ عیسوی دو سال قبل از قتلش تمام کرد. نیز در این ترجمه دارا شکوه از چند پندت و هندو عالمان کمک دستیاب کرد. این ترجمه باعث شد که در آخر وی ملحد قرار شد و

اورنگزیب وی را قتل کرد و اینطور يك گل سرمد ز گلستان
گورکائی ساکت شد۔ حاصل ترجمته اوپنشد این بود که رازهای
پنهان علوم برهمنان ظاهر شد۔

دیوان داراشکوه: داراشکوه در زبان فارسی دیوانی هم داشت
که اکسیر اعظم نامیده است۔ اول این دیوان در دست نه بود۔
خان بهادر ظفر الحسن (شعبه باستان شناسی) يك نسخه دیوان دارا
فراهم شد، وی این را در اجلاس ماهانه منعقد از بنگال ایشانک
سوسائٹی (جولائی ۱۹۳۹ عیسوی) در مقالش گفت که این دیوان
يك صد و چهل و شش ۱۴۶ غزلها و بیست و هشت ۲۸ رباعی ها
هستند و این نسخه در زندگی دارا نوشت شده بود۔

رباعی:

معروف شدم تا که بعرفان گشتم
عارف شدم در خویش عریان گشتم
پیدا کردی مراد لیکن من هم
پیدا کردم ترا و قربان گشتم

دیوان داراشکوه را نبی احمد خان مرتب کرد که از طرف اداره
تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب لاهور شائع شد۔ در این دیوان
۲۱۵ غزلها و ۱۴۵ رباعی ها هستند۔

داراشکوه يك نظم بنام انسان کامل نوشته بود اینطور هست۔

آدمی قدر خویش میدانمی
که توی گنج سر پنهانی
دست پای تو نقش الله است
چون یدالله را نمی خوانی؟

خلف آدم بود به صورت حق
زان خلیفه شدی و سلطانی
دل تو عرش و کرسی و لوح است
کاندر آن هست عالم ربانی
روح خود در دمید اندر تو
زان ترا سجده کرد روحانی
هم محمد توئی و هم الله
این عنایت ترا است ارزانی

مصنف خزینته الاصفیاء بیان کرد که نام دیوان دارا شکوه اکسیر
اعظم بود و تعریف شعر دارا اینطور کرد:

”سخنش دریائے توحید است که از زبان گوهر افشان او
روان گشته خورشید وحدانیت است که از افق بسان
مطلع انوارش طلوع شده مغزی باید که سخنش را نفهمد
ولی باید که معانی آن در وی امکان پذیرد.“

آخر من این گویم که دارا شکوه يك صوفی سلسله قادری
بود. فکر و اندیشه وی مختلفی از دیگران بود. می گفت که میان
تصوف و فلسفه هندو فرقی نیست و این را دو شاخ يك رودخانه می
دانست. دارا شکوه کتب سنسکرت در فارسی منتقل کرد و اینطور
وی فلسفه هندو در سراسر جهان معروف کرد. غیر از این يك مصنف
و شاعر زبان فارسی بود که بسیار خدمت زبان و ادبیات فارسی
کرد. زیر سایه وی خیلی علماء و شعراء جای یافت و او آنها را
سرپرستی کرد.
کتاب شناسی:

- ۱۔ محمد دارا شکوہ، سکینتہ الاولیاء، ترجمہ اردو، باہتمام الحاج محمد ناصر خان، چاپ از فرید بکڈپو دہلی۔
- ۲۔ محمد دارا شکوہ، سفینتہ الاولیاء، اردو ترجمہ، مترجم محمد علی لطفی، چاپ از فرید بکڈپو دہلی۔
- ۳۔ سید صباح الدین عبدالرحمان، بزم تیموریہ، جلد دوم، چاپ مطبع معارف اعظم گڑھ۔
- ۴۔ شمس العلما مولانا ذکائاللہ، اورنگزیب عالم گیر حالات و واقعات کے آئینے میں، مکتبہ الحق ماڈرن ڈیری جوگیشوری ممبئی۔

English sources:

1. Dara Shikoh, Majma ul Bahrain, by M. Mahfuz ul Haq.
2. S. M. Jaffar, The Mughal Empire from Babar to Aurangzeb, Ess Ess Publications, Delhi-52.

Research journals:

1. International Journal of History & Research.
ISSN 2249-696, Vol 2
2. Afghanistan Quarterly Vol-11.
- ۳۔ الشکیل الرحمان، محمد دارا شکوہ (ایک تعارف)، عرفی پبلی کیشنز، مدھوبدن، A-267 ساوتھ سٹی-1، گوڑگاؤں، 122001، ہریانہ۔